Journal of
Comparative Criminal Jurisprudence
www.jccj.ir

Volume 6, Issue 4, 2026

Civil Liability of Guardians and Caregivers for Damages Arising from Crimes Committed by Minors: A Comparative Study of Imami Jurisprudence and Positive Law

Hossein Jalali[*1]

1. Department of Private Law, CT.C. Branch , Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:
Original Research
Pages: ***19-34***

Corresponding Author's Info
ORCID: *0009-0003-9112-4139*
Email: *hossein.jalali@iau.ac.ir*

Article history:
Received: *31 Mar 2026*
Revised: *13 May 2026*
Accepted: *20 Jul 2026*
Published online: *22 Dec 2026*

Keywords:
Civil Liability, Minor, Crime Committed by a Child, Natural Guardian, Caregiver, Negligent Supervision, Comparative Law.

ABSTRACT

The commission of criminal acts by minors, due to their lack of discernment or incomplete intellectual capacity, may result in the exclusion or limitation of their criminal liability. Nevertheless, in light of the need to preserve public order and the La Darar (no-harm) principle, this does not preclude the establishment of civil liability and financial responsibility toward the injured party. The fundamental issue addressed in this study is to clarify the distribution of liability between the minor as the direct perpetrator and his or her legal or customary guardian, as well as to delineate the foundations of compensation for damages in Imami jurisprudence, Iranian law, and leading legal systems. Using a descriptive-analytical and comparative methodology, this study examines the relevant legal evidence and statutory provisions governing the subject. The findings indicate that, in Imami jurisprudence and Iranian civil law, based on the principle of itlaf (destruction or direct causation of damage) and Article 1216 of the Civil Code, the general rule is that the minor who directly causes the damage bears primary and direct financial liability. However, the liability of the guardian is based on the principle of causation (tasbib) and Article 7 of the Civil Liability Act, and is fault-based, arising from failure to exercise adequate supervision or proper upbringing, and is subject to proof. In cases where the guardian is insolvent or cannot be accessed, the legal system, in order to protect the injured party, permits secondary recourse to the minor's assets. From a comparative perspective, French judicial practice, by moving beyond the rebuttable presumption of fault under Article 1242 of the French Civil Code, has established an objective and statutory liability for parents, whereas common-law systems continue to adhere to the principle that parents are not vicariously liable for the acts of their children and that personal fault in negligent supervision must be established. Ultimately, in order to address existing deficiencies in safeguarding the rights of injured parties and to alleviate the burden of proving the guardian's fault, this study proposes the adoption of a presumption of fault on the part of the guardian in cases involving failure to exercise reasonable care, as well as the use of compulsory civil liability insurance mechanisms for guardians.

This is an open access article under the CC BY license. © 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Jalali, H (2026). "Civil Liability of Guardians and Caregivers for Damages Arising from Crimes Committed by Minors: A Comparative Study of Imami Jurisprudence and Positive Law". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 6(4): 19-34.

فصلنامه فقه جزای تطبیقی
www.jccj.ir

دوره ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۵

مسؤولیت مدنی ولی و سرپرست در قبال خسارات ناشی از جرم صغیر (با نگاهی تطبیقی به فقه امامیه و حقوق موضوعه)

حسین جلالی[*۱]

۱. گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات: ۱۹-۳۴

اطلاعات نویسنده مسؤول
کد ارکید: ۰۰۰۹-۰۰۰۳-۹۱۱۲-۴۱۳۹
ایمیل: hossein.jalali@iau.ac.ir

سابقه مقاله:
تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۱۱
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۲۹
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:
مسؤولیت مدنی، صغیر، جرم طفل، ولی قهری، سرپرست، تقصیر در نظارت، حقوق تطبیقی.

چکیده

ارتکاب افعال مجرمانه توسط صغار به‌سبب فقدان تمیز یا کمال قوای عقلانی، هرچند به سلب یا تحدید مسؤولیت کیفری آنان می‌انجامد، اما به‌جهت لزوم حفظ نظم عمومی و قاعده لاضرر، مانع تحقق مسؤولیت مدنی و ضمان مالی در قبال زیان‌دیده نمی‌گردد. مسأله بنیادین پژوهش حاضر، تبیین نحوه توزیع مسؤولیت میان صغیر مباشر و سرپرست قانونی یا عرفی وی و تحدید مبانی جبران خسارت در فقه امامیه، حقوق ایران و نظام‌های حقوقی پیشرو است. این پژوهش با روش توصیفی – تحلیلی و تطبیقی، به واکاوی ادله و مواد قانونی ناظر بر موضوع می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران (بر پایه قاعده اتلاف و ماده ۱۲۱۶ ق.م)، اصل بر ضمان عینی و مستقیم صغیر مباشر است؛ با این حال، مسؤولیت سرپرست بر پایه قاعده تسبیب و ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی، ماهیتی تقصیرمحور (کوتاهی در مواظبت یا تربیت) داشته و مشروط به اثبات است. در موارد اعسار سرپرست مقصر یا عدم دسترسی به وی، نظام حقوقی برای حمایت از زیان‌دیده، رجوع ثانوی به اموال صغیر را پذیرفته است. در رویکرد تطبیقی، رویه قضایی فرانسه با عبور از فرض تقصیر قابل رد (ماده ۱۲۴۲ ق.م فرانسه)، مسؤولیتی عینی و قانونی برای والدین مستقر ساخته است، درحالی‌که کامن‌لا کماکان بر اصل عدم مسؤولیت تبعی والدین و لزوم اثبات تقصیر شخصی در اهمال نظارتی استوار است. درنهایت، جهت رفع کاستی‌های موجود در تضمین حقوق زیان‌دیدگان و تعدیل بار اثبات تقصیر سرپرست، پذیرش «اماره تقصیر» سرپرست در موارد عدم مراقبت متعارف و نیز بهره‌گیری از سازوکارهای بیمه اجباری مسؤولیت مدنی سرپرستان پیشنهاد می‌گردد.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.

© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

در اندیشه حقوق کیفری و فقه اسلامی، کودکی (صغر) از بنیادین‌ترین موانع اهلیت جنایی و از بارزترین علل رافع مسؤولیت کیفری به شمار می‌رود، درحالی‌که در نظام‌های جزایی باستان (نظیر روم و چین) کودک هم‌پای بزرگسالان مسؤول انگاشته می‌شد و در قوانین کیفری اروپایی نیز تا قرن هجدهم میلادی، تمرکز صرف بر «رکن مادی» جرم موجب نادیده‌انگاشتن صغر سن در تعیین کیفر می‌گردید، پس از تحولات ناشی از انقلاب فرانسه و تکوین مکاتب نوین جزا، لزوم احراز رکن روانی (قصد مجرمانه) سبب شناسایی رسمی صغر سن به‌عنوان عامل رافع مسؤولیت کیفری گردید (Dressler, 2022: 15).

این درحالی است که فقه امامیه از چهارده قرن پیش، بر مدار بلوغ، عقل و اراده آزاد، اصل معافیت جزایی اطفال را پذیرفته است؛ اصلی که با روایات معتبر فریقین تأیید گردیده و در کلام امیرالمؤمنین علی (ع) در مقام منع رجم زن دیوانه تجلی یافته است: «قلم تکلیف و مجازات از سه گروه برداشته شده است: کودک تا بالغ شود، دیوانه تا هوشیار گردد و خفته تا بیدار شود» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۵/۱). امروزه گرچه درخصوص سن دقیق خروج از دوران صغر اختلاف نظرهایی وجود دارد، اما در اصل «عدم انتساب مسؤولیت کیفری به اطفال»، اجماع دکترین حقوقی و فقها حاکم است؛ قاعده‌ای که در ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز با صراحت تقنین شده است.

با این وجود، معافیت از کیفر هرگز به‌معنای رهاسازی حقوق بزه‌دیدگان و اغماض از آثار سوء افعال زیان‌بار اطفال نیست. هرگاه صغیری مرتکب رفتاری شود که در قوانین موضوعه واجد وصف مجرمانه است (اعم از ایراد صدمه بدنی، تخریب یا اتلاف مال غیر و سرقت) فقدان قصد جنایی مانع از استقرار عنوان بزه به‌معنای اخص جزایی می‌گردد، لیکن جنبه مدنی واقعه، یعنی تعهد به جبران زیان و ضمان قهری، همچنان استوار است. در این میان، پارادوکس حقوقی اصلی هنگامی رخ می‌نماید که حقوق باید میان دو ضرورت اساسی توازن برقرار سازد: از یک‌سو، حمایت قاطع از حقوق قربانی جرم صغیر و اصل عدم اضرار و از سوی دیگر، صیانت از حقوق شخص صغیر و جلوگیری از تحمیل ناروای خسارت بر ولی و سرپرست او. این تقابل منافع، کانون نظریه‌پردازی‌های متعددی در فقه و حقوق گردیده است.

نظام قانون‌گذاری ایران در مواجهه با این چالش، با دوگانگی و تعارض ظاهری در نصوص قانونی روبه‌رو است:

– ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی بر پایه دکترین سنتی فقه و قاعده اتلاف («**من أتلف مال الغیر فهو له ضامن**»)، اصل را بر مسؤولیت عینی و مستقیم صغیر نهاده و دارایی خود کودک (صغیر) را وثیقه جبران خسارت می‌داند.

– ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی (مصوب ۱۳۳۹) برمبنای مسؤولیت مبتنی‌بر تقصیر، بار اصلی جبران خسارت را برعهده سرپرست (نگاهدارنده قانونی یا قراردادی) گذارده و رجوع به اموال صغیر را صرفا به‌عنوان راه‌حلی فرعی و مشروط به عدم استطاعت سرپرست مجاز شمرده است.

این ناسازگاری تقنینی سبب شده است که انطباق ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی با منطق و ساختار حقوقی کشور با چالش مواجه شود و برای جمع میان آن و قواعد عام قانون مدنی، الگوها و نظریات متفاوتی ارائه شود.

ازاین‌رو، مسأله محوری پژوهش حاضر تبیین الگوی حاکم بر مسؤولیت مدنی ناشی از افعال مجرمانه اطفال و تعیین نحوه توزیع ضمان میان صغیر و سرپرست است، به‌گونه‌ای‌که روشن شود آیا مسؤولیت سرپرست ماهیتی عینی مبتنی‌بر سمت قانونی/ قراردادی دارد یا مشروط به احراز تقصیر در مواظبت و تربیت است و تعارض ظاهری میان مسؤولیت مباشر و سبب چگونه حل‌وفصل می‌گردد.

در راستای گره‌گشایی از این مسأله، پرسش‌های بنیادین تحقیق به شرح زیر صورت‌بندی می‌شوند:

مبنا و شرایط ضمان مستقیم صغیر: ارکان و مستندات فقهی – حقوقی مسؤولیت مالی صغیر در فرض ارتکاب رفتار مجرمانه چیست و وصف تمییز چه نقشی در استقرار این ضمان ایفا می‌کند؟

ماهیت و قلمرو مسؤولیت سرپرست: مسؤولیت سرپرستان (اعم از اولیای قانونی، قراردادی و عرفی) بر چه مبنایی استوار است و آیا سمت سرپرستی به‌تنهایی موجب ضمان است یا تقصیر در نظارت و تربیت شرط تحقق آن به‌شمار می‌رود؟

سازوکار حل تعارض و کیفیت توزیع نهایی خسارت: نحوه جمع منطقی میان ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی و ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی چگونه است و در فرض اعسار سرپرست، رابطه حقوقی و حق رجوع صغیر به سرپرست مقصر بر چه اساسی تنظیم می‌شود؟

ساختار مقاله حاضر برای دستیابی به این اهداف در چند محور سامان یافته است: پس از طرح مسأله و تبیین روش‌شناسی، در بخش دوم مفاهیم و گونه‌شناسی نهادهای سرپرستی واکاوی می‌شود؛ در بخش سوم، تحلیل یافته‌ها مشتمل بر مبانی فقهی و حقوقی، قلمرو تکالیف سرپرستان، سازوکار جبران خسارت و تحلیل تطبیقی تبیین می‌گردد و درنهایت، نتایج و پیشنهادهای اصلاحی تقنینی ارائه خواهد شد.

این پژوهش با روش تحلیلی – توصیفی و با ابزار کتابخانه‌ای انجام شده است، بدین‌معنا که منابع فقهی شیعه، متون حقوقی داخلی، قوانین موضوعه ایران (قانون مدنی، قانون مسؤولیت مدنی ۱۳۳۹ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) و رویه قضایی مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته‌اند. رویکرد تحقیق در بخش تحلیل قواعد، تطبیقی میان فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران است و در پایان، مقایسه‌ای نیز با حقوق فرانسه و نظام کامن‌لا انجام شده است.

۱- مفاهیم و پشتوانه نظری پژوهش

۱. مفهوم و تعریف صغیر

از منظر لغوی، «صغیر» در برابر «کبیر» قرار گرفته و به‌معنای کوچک و خرد است (معلوف، ۱۹۰۸؛ معین، ۱۳۸۲، ذیل واژه «صغیر»). در اصطلاح فقهی و حقوقی، صغیر به کسی اطلاق می‌شود که به سن بلوغ شرعی نرسیده و قوای جسمانی و عقلانی او به کمال نرسیده باشد (حیدر، ۱۳۵۱: ۵۸۴/۹). این دوره، از حساس‌ترین مراحل حیات انسانی است و مبحث صغار از مباحث بنیادین حقوق مدنی در حوزه اشخاص و محجورین به‌شمار می‌رود (صفائی و قاسم‌زاده، ۱۴۰۰: ۲۲۳).

برخی حقوق‌دانان در تعریف صغیر بیان داشته‌اند: «در اصطلاح حقوقی، صغیر به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمانی و روحی لازم برای زندگانی اجتماعی نرسیده باشد» (امامی، ۱۳۵۷: ۲۴۳/۵). این تعریف از آن رو مورد نقد قرار گرفته که میان دو مفهوم «بلوغ» و «رشد» تفکیک قائل نشده و به سن بلوغ شرعی تصریح نکرده است، چه آن‌که نمو روحی لازم برای حیات اجتماعی با حصول وصف «رشد» محقق می‌شود و ممکن است فردی با رسیدن به بلوغ از حجر صغر خارج شود، اما به‌سبب عدم احراز رشد، در امور مالی غیررشید (سفیه) باقی بماند (صفائی و قاسم‌زاده، ۱۴۰۰: ۲۲۴).

پیش از اصلاحات قانونی سال ۱۳۶۱، صغیر به فردی اطلاق می‌شد که به سن ۱۸ سال تمام نرسیده بود، اما با حذف ماده ۱۲۰۹ و اصلاح ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، سن ۱۸ سالگی به‌عنوان اماره قانونی رشد منتفی گردید و مفهوم حقوقی صغیر با موازین فقهی هم‌راستا شد، بدین‌معنا که هر فرد نابالغ، صغیر محسوب می‌شود (صفائی و قاسم‌زاده، ۱۴۰۰: ۲۲۴). مطابق تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، سن بلوغ برای پسران ۱۵ سال تمام قمری و برای دختران ۹ سال تمام قمری است که منطبق بر نظر مشهور فقهای امامیه می‌باشد.

۱-۱- ماهیت تکوینی و طبیعی بلوغ

درخصوص ماهیت بلوغ، این وصف امری «طبیعی و تکوینی» است که فرد در بستر رشد بیولوژیک بدان نائل می‌گردد و احکام شارع یا مقنن جنبه کاشفیت از این پدیده طبیعی دارد. صاحب جواهر در این‌باره می‌فرماید: «**بلوغ از امور طبیعی است که در لغت و عرف شناخته شده و از موضوعات مخترعه شرعی نیست**» (نجفی، ۱۴۰۴: ۵۲/۲۶).

مستندات این نگرش در منابع نقلی آشکار است؛ قرآن کریم در آیه ۵۹ سوره نور ملاک بلوغ را تحقق «حلم» (توانایی غریزی و فیزیولوژیک) دانسته است («**و إذا بلغ الأطفال منکم الحلم فلیستأذنوا...**») و در آیه ۶ سوره نساء و آیه ۱۵۲ سوره انعام نیز بلوغ با عناوینی همچون «بلوغ نکاح» و «بلوغ أشد» تبیین شده که نشان‌دهنده ابعاد عینی و زیستی آن است

(طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۲۷/۱۵). روایات نیز مؤید این امر است، چنان‌که در «صحیحه هشام» از امام صادق (ع)، زوال دوران یتم و صغر با تحقق احتلام و ورود به مرحله اشد دانسته شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۶۰/۱۷). سیره عملی پیامبر اکرم (ص) در حوادثی همچون غزوه بنی‌قریظه نیز حکایت از آن دارد که علائم تکوینی و نشانه‌های جسمانی بر سن شناسنامه‌ای رجحان داشته است.

۲-۱- اقسام صغیر و سنجه تمیز

صغیر در فقه و حقوق به دو گروه متمایز بخش‌پذیر است (صفائی و قاسم‌زاده، ۱۴۰۰: ۲۲۵):

۱- صغیر غیرممیز: نابالغی است که فاقد ادراک عقلانی لازم برای تشخیص سود از زیان و حسن از قبح بوده و افعال وی عاری از هرگونه قصد انشایی و اراده حقوقی است.

۲- صغیر ممیز: کودکی است که توانایی تمیز و ارزیابی نسبی نفع و ضرر را داراست و افعال ارادی از او صادر می‌شود، هرچند به بلوغ جسمی و کمال عقلی دست نیافته باشد.

در ماده ۹۴۳ «مجله الاحکام العدلیه» تفکیک این دو چنین تصویر شده است: «صغیر غیرممیز کسی است که مفهوم بیع و شراء را درک نمی‌کند، یعنی نمی‌داند که فروش موجب انتقال مالکیت و خرید سبب تملک است و میان غبن فاحش و غبن اندک تفاوتی قائل نمی‌شود؛ در مقابل، فردی که این تفاوت‌ها را تشخیص دهد، صغیر ممیز است» (حیدر، ۱۳۵۱: ۵۸۴/۹).

درباره مقطع زمانی تمیز، برخی فقهای امامیه با استناد به نصوصی چون حدیث نبوی «**مروا أولادکم بالصلاه و هم أبناء سبع سنین**» (زحیلی، ۱۴۰۹: ۵۹/۱) و صحیحه بزنطی از امام رضا (ع): «**یؤخذ الغلام بالصلاه و هو ابن سبع سنین**» (بحرانی، ۱۳۶۳: ۳۴۵/۲۰)، سن هفت سالگی را اماره تمیز دانسته‌اند. در قوانین برخی کشورهای عربی (مصر، سوریه، عراق) سن ۷ سالگی، مراکش ۱۲ سالگی و تونس ۱۳ سالگی ملاک قانونی است، اما در حقوق ایران و فرانسه، سن قطعی تعیین نشده و تمیز امری موضوعی است که احراز آن برعهده دادرس نهاده شده است (صفائی و قاسم‌زاده، ۱۴۰۰: ۲۲۵). درصورت تردید، استصحاب عدمی حاکم بوده و اصل بر «عدم تمیز» جاری است. بنابراین اثبات ممیزبودن برعهده مدعی آن است (انصاری، ۱۴۱۶: ۵۵۲/۲-۵۴۹؛ صفائی و قاسم‌زاده، ۱۴۰۰: ۲۲۵).

تأثیر این تفکیک در اعمال حقوقی و وقایع حقوقی متفاوت است: صغیر غیرممیز فاقد اراده است و اعمال حقوقی او مطلقا باطل است (مواد ۱۲۱۱ و ۱۲۱۲ ق.م). درخصوص صغیر ممیز، مشهور فقهای امامیه او را «مسلوب‌العباره» دانسته و اعمال حقوقی او را حتی با اذن ولی باطل شمرده‌اند (خوئی، ۱۴۲۲: ۲۲۴/۳؛ میرزای قمی، ۱۴۱۳: ۲۵۲/۲؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۲۸۳/۲)، با استثناهایی نظیر تملکات بلاعوض یا وصیت در سن ۱۰ سالگی (موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ۱۳/۲-۱۲). در برابر، برخی چون مقدس اردبیلی معاملات صغیر ممیز را با اذن ولی صحیح دانسته‌اند (صفائی و قاسم‌زاده، ۱۴۰۰ ۲۲۷؛ خوئی، ۱۴۲۲: ۲۴۹/۳-۲۴۴). در فقه حنفی نیز اعمال صغیر ممیز به نافع محض (صحیح)، مضر محض (باطل) و دائر بین نفع و ضرر (موقوف به اذن) تفکیک شده است (حیدر، ۱۳۵۱: ۶۱۰/۹-۶۰۶؛ زحیلی، ۱۴۰۹: ۷۶۴/۲)، اما در قلمرو وقایع حقوقی و ضمان قهری، از آنجا که ملاک اصلی، تلف مال و رابطه سببیت است، تمیز شرط تحقق اصل ضمان نیست، بلکه نقش آن در قابلیت پیش‌بینی رفتار طفل و احراز تقصیر سرپرست متجلی می‌گردد.

۲- مفهوم جرم طفل و تفکیک مسؤولیت‌ها

۲-۱- مفهوم جرم و خطای نابالغ

جرم در اصطلاح حقوق کیفری، هر فعل یا ترک فعلی است که در قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی پیش‌بینی شده باشد. در نظام‌های کیفری مدرن و فقه اسلامی، «بلوغ» شرط عامه تکلیف و تحقق اهلیت جنایی است؛ پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «**از سه دسته مجازات برداشته شده است: کودک، مجنون و خفته**» (عوده، ۱۹۹۴: ۶۰۲/۱-۶۰۳)، اگرچه فتاوای خاصی چون دیدگاه پنج‌مرتبه‌ای شیخ طوسی در نهایه پیرامون سرقت صغیر وجود دارد (طوسی، ۱۳۷۹: ۷۴۵؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۷۷/۴۱)، لکن به‌دلیل تعارض روایات و اجمال ادله، ترجیح با ادله رافع مسؤولیت است (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۷۸/۴۱).

بنابراین، رفتار واجد وصف مجرمانه از سوی کودک، واجد عنوان مجرمانه کیفری به‌معنای فنی کلمه نیست. در فقه، جنایت عمدی صغیر «خطای محض» تلقی شده و بار مالی دیه برعهده عاقله نهاده شده است، درحالی‌که در اتلاف اموال، صغیر شخصا در مال خود ضامن است. بر این اساس، مقصود از «جرم صغیر» در این پژوهش، هرگونه رفتار نامشروع و نقض هنجارهای قانونی است که فی‌نفسه واجد عنوان کیفری (تخریب، سرقت، ضرب و جرح) بوده، اما به‌دلیل صغر سن، پاسخ کیفری به اقدامات تربیتی تبدیل شده و بعد مالی آن در قالب دعوای مسؤولیت مدنی متبلور می‌گردد.

۲-۲- تفکیک قلمرو عدم مسؤولیت کیفری از ضمان مدنی طفل

در حقوق کیفری ایران، عدم مسؤولیت کیفری اطفال به‌عنوان یک «اماره قانونی» ناشی از فقدان کمال قوای عقلانی و اراده تشریعی شناخته می‌شود. ازاین‌رو، به‌موجب مواد ۱۴۰ و ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی، افراد نابالغ فاقد مسؤولیت کیفری بوده و معاف از مجازات هستند، هرچند ممکن است مشمول تدابیر تأمینی و تربیتی گردند (اردبیلی، ۱۴۰۵: ۱۵۱). بلوغ در فقه و قانون به مثابه آستانه ادراک و تمیز تلقی شده که در رویکردهای علمی و زیستی نیز به‌عنوان نقطه کمال دگرگونی‌های جسمانی و روانی تعریف می‌شود (منصور، ۱۳۵۶: ۷۱؛ کرمانی، ۱۳۵۷: ۷). با این حال، تفاوت بنیادین حقوق کیفری (مبتنی‌بر مجازات و بازدارندگی) با حقوق مدنی (مبتنی‌بر اعاده وضع به حالت سابق و جبران خسارت زیان‌دیده) موجب می‌گردد که معافیت یا اماره عدم مسؤولیت کیفری صغیر، هرگز به معنای زوال یا معافیت از «ضمان مالی و مسؤولیت مدنی» ناشی از جنایت یا اتلاف تلقی نشود، بلکه زمینه را برای تحلیل نحوه توزیع ضمان میان خود طفل و سرپرست مقصر در نظارت فراهم می‌آورد.

۳- ارکان مسؤولیت مدنی و جایگاه سرپرست

۳-۱- خسارت ناشی از جرم صغیر

خسارت عبارت است از هرگونه کسر، نقص یا تلف دارایی، منفعت مسلم و یا صدمه به تمامیت جسمانی و معنوی شخص. خسارات ناشی از جرم صغیر به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شوند:

۱- خسارات بدنی (جنایات): صدمه به جسم و جان افراد که در فقه و حقوق، جبران آن از طریق دیه یا ارش صورت می‌پذیرد و بنابر موازین فقهی، در قالب مسؤولیت نهاد عاقله اداره می‌شود.

۲- خسارات مالی: اتلاف، تخریب یا تصاحب اموال دیگران که مشمول قواعد عمومی ضمان قهری و مسؤولیت مدنی است. کانون اصلی این تحقیق، خسارات مالی و نحوه جبران آن توسط اموال صغیر یا سرپرست اوست.

۳-۲- مفهوم مسؤولیت مدنی

مسؤولیت مدنی تعهدی است قانونی که بر دوش شخصی قرار می‌گیرد تا ضرر و زیانی را که من‌غیرحق به دیگری وارد آورده، تدارک و ترمیم نماید. این مفهوم در برابر مسؤولیت کیفری (که متوجه نظم عمومی و مجازات فاعل است) قرار داشته و خاستگاه آن اعاده تعادل اقتصادی برهم‌خورده میان زیان‌دیده و عامل زیان است. ارکان عمومی آن مشتمل بر سه عنصر بنیادین است: وقوع زیان، ارتکاب رفتار نامشروع (فعل یا ترک‌فعل) و وجود رابطه سببیت میان آن دو.

۳-۳- گونه‌شناسی ولی و سرپرست

سرپرست در این پژوهش به شخصی اطلاق می‌گردد که قانونا یا بر پایه تعهد قراردادی، وظیفه مواظبت، نگاهداری، پرورش و اداره امور شخص صغیر را برعهده دارد. نظام تقنینی برای اداره امور صغار چهار نهاد حقوقی را طراحی کرده است (صفائی و قاسم‌زاده، ۱۴۰۰: ۲۳۵-۲۳۰):

۱- ولایت قهری: منصبی طبیعی - قانونی است که منحصرا در اختیار پدر و جد پدری قرار دارد (مواد ۱۱۸۰ و ۱۱۸۱ ق.م). ولی قهری با رعایت غبطه مولی‌علیه در اموال او تصرف می‌نماید، مگر درصورت ثبوت خیانت یا ناتوانی که مرجع قضایی نسبت به نصب قیم یا ضمیمه‌کردن امین اقدام می‌کند (ماده ۱۱۸۴ ق.م).

۲- وصایت: سمتی است که پدر یا جد پدری برای پس از فوت خود جهت نگهداری مولی‌علیه و اداره اموال او به شخص معینی (وصی) واگذار می‌نمایند (مواد ۱۱۸۸ و ۱۱۹۴ ق.م).

۳- قیمومت: سمتی قضایی است که در غیاب اولیای خاص (پدر، جد پدری و وصی)، توسط دادگاه جهت نظارت و اداره امور محجور اعطا می‌شود (مواد ۱۱۸۵ و ۱۲۱۸ ق.م) و تحت نظارت مستمر دادسرا و دادگاه اداره می‌گردد (ماده ۳ قانون امور حسبی).

۴- حضانت: نهادی متمایز که صرفا ناظر بر نگاهداری جسمانی، انضباطی و اخلاقی طفل بوده و حق و تکلیف والدین است، بدون آن‌که متضمن حق دخالت در اموال کودک باشد (ماده ۱۱۶۸ ق.م).

۵- سرپرستان قراردادی و عرفی: اشخاصی که وظیفه نگهداری طفل را با انعقاد عقد بر دوش می‌گیرند (نظیر مربیان مهدکودک و مسؤولان مدارس شبانه‌روزی) و اولیای طبیعی و عرفی (پدر و مادر طفل خارج از نکاح براساس رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷ دیوان عالی کشور) که مکلف به نگاهداری و مواظبت از محجور شناخته شده‌اند.

۲- پشتوانه نظری: نظریه‌های مسؤولیت مدنی در تبیین ضمان ولی و صغیر

تحلیل حقوقی مسؤولیت مدنی ولی و سرپرست در قبال افعال زیان‌بار یا مجرمانه صغیر، نیازمند بازخوانی مبانی نظری مسؤولیت مدنی و بازشناسی مرزهای مفهومی آن در تلاقی حقوق موضوعه و فقه امامیه است.

۳- تبارشناسی مفهومی و دوگانگی ساختاری در حقوق ایران و فقه اسلامی

مسؤولیت مدنی اصطلاحی نسبتا نو در ادبیات حقوقی ایران به‌شمار می‌رود که معادل اصطلاح « Responsabilité Civile» در حقوق فرانسه است. مسؤولیت مدنی بخشی از حقوق مدنی است که در آن به بیان احکام تکلیف به جبران و تدارک خسارت وارده به دیگری پرداخته می‌شود. این اصطلاح با تصویب قانون مسؤولیت مدنی در سال ۱۳۳۹ به ادبیات قانون‌گذاری ایران وارد گردید و متعاقبا در دکترین حقوقی توسعه بسیار یافته و ادبیات وسیعی را به خود اختصاص داد. با این وجود، علی‌رغم توسعه و رواج این اصطلاح، تعریف روشنی از آن برای تبیین دامنه مفهومی و انطباق احکام آن با ساختار بومی ارائه نشده و همین ابهام مفهومی، منشأ بروز اختلاف‌نظرهایی بنیادین شده است (بابایی، ۱۳۹۹: ۱۲).

در فقه اسلامی و حقوق سنتی ایران، مباحث راجع به ایراد خسارت همواره و به تفصیلی دقیق مطرح بوده است، لکن این احکام در قالب یک عنوان واحد، عام و منسجم تحت عنوان «مسؤولیت مدنی» صورت‌بندی نشده‌اند. مشخصا در فقه و تاریخ حقوق ایران، برای ایراد خسارت جانی احکام روشنی وجود داشته و بسته به نحوه ایراد خسارت و عمدی یا غیرعمدی‌بودن آن، حکم به قصاص یا پرداخت دیه مقرر شده است (امری که در مورد صغار به‌علت خطای محض‌بودن عمد آنان، بار دیه را برعهده عاقله قرار می‌دهد). همچنین درخصوص تلف اموال (اعم از عین یا منفعت)، حکم به جبران و پرداخت مالی انشا شده و در زمینه‌های دیگر، مانند لطمات مالی یا جانی ناشی از تصرف در مال که موجب اضرار و کاهش مطلوبیت یا ممانعت از انتفاع در املاک مجاور می‌شود، احکام معینی پیش‌بینی شده است. علی‌رغم تنوع این احکام، بابی مستقل که با محوریت نظریه عمومی ایراد خسارت، منطق واحدی را برای استخراج احکام پایه‌ریزی کند، شکل نگرفته بود؛ این مهم با ورود مفهوم مسؤولیت مدنی از حقوق مدرن به نظام تقنینی ایران مطرح شد (بابایی، ۱۳۹۹: ۱۲).

ازاین‌رو، طرح صحیح مباحث مسؤولیت مدنی در نظام حقوقی ایران که بر پایه اصل چهارم قانون اساسی باید منطبق بر موازین فقهی باشد، مستلزم تعریف دقیق این مفهوم مدرن و تبیین پیوند آن با نهادهای فقهی است، چراکه تنها در پرتو این همگرایی مفهومی می‌توان از ظرفیت‌های فقهی (به‌ویژه ابواب ضمان قهری، اتلاف و تسبیب) برای حل مسائل مستحدثه (نظیر خطای مدنی سرپرست در نگهداری محجور) بهره جست (بابایی، ۱۳۹۹: ۱۲).

۴- تعریف مسؤولیت مدنی و تفکیک مفهومی آن در دکترین

در غیاب تعریف صریح قانونی، حقوق‌دانان به تبیین ماهیت مسؤولیت مدنی پرداخته‌اند. برخی مسؤولیت مدنی را معادل لفظ «ضمان» دانسته و آن را تعهد قانونی شخص به رفع ضرری تعریف کرده‌اند که به دیگری وارد آورده است، اعم از این‌که ضرر ناشی از تقصیر خود شخص باشد یا ناشی از فعالیت او، و این ضمان را دربرگیرنده هر نوع مسؤولیت مالی و کیفری قلمداد نموده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴: ۶۴۲). در بیانی دیگر، مسؤولیت مدنی رابطه‌ای دینی است که در هر مورد الزام به جبران خسارت، میان زیان‌دیده (به‌عنوان طلبکار) و شخص مسؤول (به‌عنوان بدهکار) برقرار می‌شود و موضوع آن جبران خسارت است که غالبا با پرداخت معادل پولی تحقق می‌پذیرد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۶). گروهی نیز در تدقیق مفهوم آن تصریح کرده‌اند که مسؤولیت مدنی «عبارت است از تکلیف شخص به جبران زیانی که بر اثر عمل نامشروع (به جز غصب) به دیگری وارد شده است» (صفائی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۶۱؛ صفائی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۱۹).

اگرچه مسؤولیت مدنی در نگاه کلی به‌معنای تکلیف به جبران خسارت دیگری است، اما دکترین حقوقی این اصطلاح را بر تمامی اسباب تدارک خسارت بار نکرده است، چنان‌که نقض تعهدات قراردادی تحت عنوان «آثار قراردادها»، تصرف عدوانی بر حقوق و اموال دیگران ذیل نهاد فقهی «غصب» و تعدی در استفاده از حق که به کاهش انتفاع دیگران بینجامد تحت عنوان «مزاحمت» مورد بررسی قرار می‌گیرد. به همین جهت، حقوق‌دانان پیوسته اصطلاح مسؤولیت مدنی را در کنار «ضمان قهری» یا «تعهدات خارج از قرارداد» به‌کار برده‌اند تا دایره بحث را به الزامات خارج از قرارداد محدود سازند و مبحث غصب را از آن تفکیک نمایند (کاتوزیان، ۱۳۷۴؛ صفائی و رحیمی، ۱۳۹۷؛ بابایی، ۱۳۹۷).

این رویکرد نشان‌دهنده آن است که نزد حقوق‌دانان ایرانی، مسؤولیت مدنی اصطلاحی خاص است که بخش معینی از احکام جبران خسارت را پوشش می‌دهد. ازاین‌رو، برخی میان «مسؤولیت مدنی به معنای خاص» (که عمدتا ناظر بر مباحث اتلاف و تسبیب است) و معنای عام آن قائل به تمایز شده‌اند (صفائی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۱۵). با این وجود، مسؤولیت مدنی به‌معنای خاص در حقوق ایران تنها به تلف فیزیکی یا نقص مال و سلامتی جسمانی محدود نمانده، بلکه بر پایه ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی، لطمات معنوی و نقض مطلق حقوق اشخاص را نیز شامل می‌شود. این رویکرد که متأثر از نظام‌های رومی - ژرمنی است، می‌کوشد شرایط و آثار یکسانی را در قالب «تئوری عمومی مسؤولیت مدنی» سامان دهد (بابایی، ۱۳۹۹: ۱۵).

اما تعمیم شرایط و آثار واحد بر تمامی موارد ورود ضرر، منشأ چالش‌های جدی در تطبیق با فقه اسلامی شده است، چراکه در فقه، احکام جبران خسارت بسته به نوع عنوان (اتلاف، تسبیب، غرور، غصب، جنایت و تعدی) تفکیک شده و فاقد ارکان و آثاری کاملا همسان هستند. کلیت‌بخشیدن انتزاعی به این قواعد، گاه موجب اصطکاک میان احکام قانونی و موازین شرعی می‌گردد. ازاین‌روی، بازنگری در مفهوم مسؤولیت مدنی بر مدار احکام فقهی - به‌ویژه در موضوع تقابل ضمان صغیر و تقصیر مراقبتی سرپرست - برای رفع این تعارضات و نیل به زبان حقوقی منسجم، ضرورتی بنیادین دارد (بابایی، ۱۳۹۹: ۱۶).

۵- مبانی و نظریه‌های بنیادین مسؤولیت مدنی در پرتو رفتار زیان‌بار صغیر

برای پاسخ به این پرسش بنیادین که درصورت ارتکاب فعل مجرمانه یا زیان‌بار توسط صغیر، جبران خسارت بر دوش چه کسی (صغیر، ولی/ سرپرست، یا بیت‌المال) مستقر می‌شود، دکترین حقوقی و فقهی چهار نظریه بنیادین را به‌عنوان مبنای مسؤولیت مطرح کرده‌اند: نظریه تقصیر، نظریه ایجاد خطر، نظریه مختلط و نظریه تضمین حق (انصاری، ۱۳۸۴: ۱۷۷۱/۳؛ عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۵۷؛ کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۷۲/۱). انطباق این چهار نظریه با مبانی موضوعه و فقهی پژوهش حاضر به شرح زیر است:

۵-۱- نظریه تقصیر (نظریه شخصی)

نظریه سنتی و غالب بر پایه «تقصیر» استوار است. برمبنای این اندیشه، هیچ شخصی ملزم به جبران خسارت نیست، مگر آن‌که در رفتار خود مرتکب تعدی، تفریط یا قصور در رفتار

متعارف شده باشد. تقصیر، مفهومی روان‌شناختی، اخلاقی و رفتاری است. این نظریه، مبنای اصلی تدوین ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی است. بر این مبنا، ولی، قیم یا سرپرست قانونی به‌جهت رفتار صغیر پاسخگو نیستند، مگر آن‌که خود در نظارت و مواظبت از کودک مرتکب تقصیر شده باشند. از منظر فقهی نیز ضمان سرپرست بر پایه «قاعده تسبیب» استوار است؛ سرپرست به سبب اهمال در کنترل مولی‌علیه، سبب عرفی وقوع زیان محسوب شده و براساس نظریه شخصی تقصیر، پایمال‌شدن حق دیگری به رفتار او منتسب می‌گردد.

۲-۵- نظریه خطر یا ضمان عینی (نظریه نوعی)

با گسترش چالش‌های اثبات تقصیر و ناکافی‌بودن نظریه شخصی برای حمایت از زیان‌دیدگان، نظریه خطر مطرح گردید. این مکتب بدون تفتیش در روان و اراده فاعل، صرف ایجاد خطر در محیط اجتماعی یا انتفاع از یک موقعیت را سبب مسؤولیت می‌داند. در این نگرش، مسؤولیت امری عینی، مادی و فارغ از وجود تقصیر اخلاقی است. پشتوانه عینی ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی («هرگاه صغیر باعث ضرر شود ضامن است») دقیقا بر نظریه ضمان عینی انطباق دارد که برگرفته از «قاعده اتلاف» در فقه امامیه («**من أتلف مال الغیر فهو له ضامن**») است. در قاعده اتلاف، علم، قصد، تمیز و اهلیت مداخله ندارند؛ مباشر مادی تلف (حتی کودک غیرممیز) صرفا به سبب انتساب مادی واقعه اتلاف، ضامن مثل یا قیمت مال در دارایی خود شناخته می‌شود.

۳-۵- نظریه مختلط

نظریه مختلط تلاش دارد تا از یک‌سونگری تقصیر محض یا خطر محض اجتناب ورزد، بدین‌معنا که اصل اولیه را بر وجود تقصیر قرار می‌دهد، اما در مواردی که احراز تقصیر به‌جهت ضعف قربانی یا عدم امکان اثبات ممتنع است، به فرض تقصیر (اماره قانونی) یا نظریه خطر متوسل می‌شود. مسؤولیت ولی در ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی واجد رگه‌هایی از این نظریه ترکیبی است، چراکه قانون‌گذار با تأسیس فرض تقصیر یا تکلیف قانونی به نگاهداری، سرپرست را مکلف می‌داند اثبات کند که در نگهداری کودک کوتاهی نکرده و توانایی جلوگیری از وقوع عمل زیان‌بار صغیر را نداشته است، وگرنه مسؤول جبران شناخته می‌شود؛ پیوندی که میان لزوم حمایت از زیان‌دیده و سنجش قابلیت سرزنش سرپرست برقرار است.

۴-۵- نظریه تضمین حق

نظریه تضمین حق، محور مسؤولیت را از فاعل به‌سوی قربانی چرخانده و حق انسان‌ها بر سلامت، امنیت و مصونیت دارایی‌شان را مبنای تدارک خسارت قرار می‌دهد. این نظریه مقرر می‌دارد که نظم عمومی حقوقی، مصونیت اموال و حقوق اشخاص را تضمین کرده و هرگاه این تضمین بر اثر رفتار فردی مختل گردد، زیان وارده باید بلافاصله ترمیم شود. در پرونده‌های راجع به جرایم و افعال مخرب اطفال، نظریه تضمین حق ایجاب می‌کند که مالباخته یا قربانی صدمه نباید به بهانه صغر سن مرتکب یا اعسار سرپرست، بدون جبران رها شود. از منظر تضمین حق، نخست خسارت از عهده سبب اقوی (سرپرست مقصر) پرداخت می‌شود و درصورت عدم امکان، دارایی صغیر (ماده ۱۲۱۶ ق.م) به‌عنوان تضمین عینی به‌کار گرفته می‌شود تا تعادل ازدست‌رفته اعاده گردد.

۶- سنتز نظری پژوهش: توزیع دوپایه‌ای مسؤولیت در تلاقی اتلاف و تسبیب

برآیند نظریه‌های فوق، یک مدل تحلیلی دوپایه را برای تبیین مسؤولیت ناشی از جرم صغیر ترسیم می‌نماید:

۱- پایه عینی (ماده ۱۲۱۶ ق.م/ قاعده اتلاف): صغیر به‌عنوان مباشر مادی، برمبنای نظریه خطر و ضمان عینی اتلاف، مسؤول مستقیم جبران ضرر از دارایی خویش است؛ حکمی که فاقد هرگونه عنصر تقصیر شخصی است.

۲- پایه شخصی (ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی/ قاعده تسبیب): سرپرست قانونی به‌عنوان سبب حادثه، بر پایه نظریه تقصیر و کوتاهی در انجام تکلیف انضباطی - مواظبتی، مسؤولیت مدنی پیدا می‌کند.

چالش اصلی این است که رابطه این دو مبنا طولی است یا عرضی؟ براساس تحلیل تقدم سبب بر مباشر (در فرض اقوی‌بودن سبب) و اصول توزیع عادلانه زیان، نظریه حاکم بر پژوهش حاضر آن است که هرگاه سرپرست در نگهداری

طفل مرتکب تقصیر شده باشد، مسؤولیت تقصیرمحور او بر ضمان مادی صغیر تقدم یافته و بار نهایی جبران خسارت، بدون حق رجوع به کودک، برعهده سرپرست مقصر مستقر خواهد گردید.

۷- تحلیل اشکال مسؤولیت مدنی ولی و سرپرست در قبال خسارات ناشی از جرم صغیر در پرتو چارچوب نظری پژوهش

جرم صغیر (اعم از ایراد صدمه بدنی، سرقت، تخریب یا تصاحب مال غیر) اگرچه به‌واسطه فقدان قصد مجرمانه کامل و زوال اهلیت جنایی، فاقد جنبه مجازات کیفری است، اما وصف نامشروع‌بودن عمل و ضمان ناشی از ورود زیان را زائل نمی‌سازد. بار مالی و مسؤولیت مدنی ناشی از این افعال، در قالب یک نظام ترتیبی و مبتنی‌بر تلاقی دو قاعده فقهی «اتلاف» و «تسبیب» و دو متن قانونی بنیادین، یعنی «ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی» و «ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی» میان صغیر و اشخاص عهده‌دار نظارت توزیع می‌گردد. تحلیل گونه‌های مختلف این مسؤولیت در پرتو مکاتب چهارگانه نظری به شرح زیر تبیین می‌شود:

۷-۱- مسؤولیت مستقیم صغیر برمبنای نظریه خطر و ضمان عینی (قاعده اتلاف)

هرگاه صغیر (اعم از ممیز یا غیرممیز) بدون مداخله یا تفریط شخص ثالث، مستقیما به ارتکاب عملی دست یازد که منتهی به اتلاف مال یا صدمه به دیگری شود، مبنای جبران خسارت «ماده ۱۲۱۶ ق.م» است: **«هرگاه صغیر یا مجنون یا غیررشید باعث ضرر شود ضامن است.»**

این شکل از مسؤولیت دقیقا بر نظریه خطر یا ضمان عینی استوار است. در چارچوب نظریه عینی، تحقق ضمان منوط به احراز تقصیر، قصد اضرار یا تمیز مرتکب نیست، بلکه صرف تحقق رابطه علیت مادی میان رفتار مباشر و تلف مال (مفاد قاعده فقهی «من أتلف»)، موضوعیت دارد. بر این اساس، زیان‌دیده تکلیفی به اثبات خطای روانی کودک ندارد و تقصیر در این ساحت، جنبه نوعی و مادی دارد که مقنن آن را برای انتساب ضمان به دارایی محجور کافی شمرده است (ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی)، بدین‌ترتیب در فرض استقلال رفتار کودک و فقدان تقصیر نظارتی، خسارت مستقیما از اموال صغیر پرداخت می‌گردد.

۷-۲- مسؤولیت سرپرست قانونی بر پایه نظریه تقصیر شخصی (قاعده تسبیب)

در فرضی که وقوع فعل زیان‌بار توسط صغیر معلول کوتاهی، مسامحه، ضعف مفرط در تربیت، عدم نظارت بر معاشرت‌های مخاطره‌آمیز، یا در اختیارگذاردن وسایل خطرآفرین باشد، رابطه علیت عرفی میان ترک‌فعل سرپرست و تحقق خسارت شکل می‌گیرد. در این موقعیت، مطابق موازین تسبیب، سرپرست «سبب اقوی از مباشر» قلمداد می‌شود.

صدر ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی در تجلی این معنا تصریح دارد: **«کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانونا یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد، درصورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت، مسؤول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون و یا صغیر می‌باشد...»** (ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی).

این نهاد، مصداق آشکار استقرار بر نظریه تقصیر (نظریه شخصی) است. مسؤولیت ولی یا قیم در این فرض، مسؤولیت ناشی از فعل غیر نیست، بلکه ضمان ناشی از خطای شخصی خود او در ایفای وظایف مراقبتی و انضباطی است. بنابراین، ولی به‌عنوان سبب مباشر خسارت شناخته شده و بار تعهد پیش از دارایی صغیر بر دوش وی مستقر می‌گردد.

۷-۳- مسؤولیت سرپرستان قراردادی در تلاقی نظریه تقصیر و تضمین تعهد

دامنه شمول تکلیف نظارتی در ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی فراتر از روابط خونی و سمت‌های قهری و قضایی است و اشخاصی را که تعهد نگهداری صغیر را از طریق قرارداد برعهده گرفته‌اند (ازقبیل مدیران مدارس، مربیان مهدکودک، پرستاران و مؤسسات شبانه‌روزی) نیز دربر می‌گیرد (ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی).

این فرض پیوندی میان نظریه تقصیر و تعهدات ناشی از قرارداد است. با انتقال اختیارات مواظبت در ساعات معین، تعهد مراقبت از دوش ولی قهری ساقط و بر دوش سرپرست قراردادی مستقر می‌شود. مبنای مسؤولیت در اینجا اثبات

نقض تعهد مواظبت (تفریط شغلی یا سازمانی) است، لذا هرگاه به علت اهمال مراقبان مدرسه یا مهد، صغیر مرتکب فعل مجرمانه‌ای گردد، شخص سرپرست قراردادی (یا نهاد متبوع) برمبنای تقصیر شخصی در خط اول پاسخگویی قرار می‌گیرد.

۴-۷- مسؤولیت سرپرستان عرفی (اطفال ناشی از زنا) بر پایه نظریه تضمین حق و حسن نیت

به دلالت صریح ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی، طفل متولد از رابطه نامشروع ملحق به زانی نمی‌شود که این امر نفی نسب شرعی و توارث را در پی دارد، لیکن هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷ مورخ ۱۳۷۶/۰۴/۰۳، کلیه تکالیف ناشی از ولایت عرفی شامل اخذ شناسنامه، پرداخت نفقه و تربیت و حضانت را برعهده پدر عرفی (زانی) قرار داده است.

ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی، مسؤولیت را نه بر پایه «رابطه نسبی و ارث»، بلکه بر محور عینی «تکلیف به نگهداری و مواظبت» مستقر ساخته است. تحلیل این شکل از مسؤولیت با نظریه تضمین حق همخوانی کامل دارد؛ جامعه و زیان‌دیدگان حق دارند در برابر مخاطرات اطفالی که متولد از پیوندهای غیررسمی هستند، مصون بمانند و عدم ثبوت نسب نباید حائلی برای فرار تولیدکننده خطر از پاسخگویی مدنی شود. بر این اساس، پدر عرفی درصورت تقصیر در مواظبت، مکلف به جبران کلیه خسارات ناشی از جرایم طفل خواهد بود.

۵-۷- جبران جانشین از مال صغیر در فرض اعسار ولی (نظریه تضمین حق و تحلیل توزیع دوپایه‌ای)

قانون‌گذار در ذیل ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی سازوکاری ترتیبی و حمایتی بدین شرح انشا نموده است: «**هرگاه سرپرست قانونی مرتکب تقصیر شده باشد، اما استطاعت مالی جهت تدارک تمام یا بخشی از زیان را نداشته باشد، خسارت وارده از محل دارایی خود محجور تأمین می‌گردد، مشروط بر آن‌که تأدیه خسارت موجب عسرت و مضیقه معیشتی صغیر نشود**» (ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی).

این سازوکار، ترجمان عملیاتی نظریه تضمین حق و رویکرد مختلط است: ۱- در وهله نخست: حق زیان‌دیده بر تدارک خسارت تضمین می‌شود تا بار ناتوانی مالی سرپرست بر دوش قربانی تحمیل نگردد. در این مرحله، مقنن به مبنای عینی اتلاف (ماده ۱۲۱۶ ق.م) بازگشت می‌کند.

۲- در وهله دوم: از آنجا که مقصر واقعی سرپرست اهمال‌کار بوده نه صغیر، تصرف در اموال صغیر ماهیت جبران به قائم‌مقامی دارد، درنتیجه، صغیر پس از رسیدن به سن بلوغ و رشد، یا با ملائت یافتن سرپرست، حق دارد مبالغ پرداختی را از سرپرست مقصر مطالبه و استرداد نماید.

۶-۷- تحلیل تطبیقی با تأکید بر فرض تقصیر (نظریه مختلط در مقایسه با فقه و کامن‌لا)

براساس بند ۴ ماده ۱۲۴۲ قانون مدنی فرانسه (ماده ۱۳۸۴ سابق)، والدین در قبال خسارات ناشی از فرزند صغیر ساکن نزد خود مسؤول هستند. در حقوق سنتی فرانسه، این قاعده مبتنی‌بر «فرض تقصیر » در تربیت و نظارت تلقی می‌شد و والدین با اثبات مراقبت و نظارت کافی تبرئه می‌شدند، اما دیوان کشور فرانسه در تحولی اساسی با صدور آرای پیشرو نظیر رأی مجمع عمومی در پرونده Fullenwarth (۱۹۸۴) و رأی شعبه دوم مدنی در پرونده Bertrand (۱۹۹۷)، مبنای این مسؤولیت را از فرض تقصیر به مسؤولیت عینی و قانونی ارتقا داد. امروزه در فرانسه، اثبات عدم تفریط و نظارت کامل رافع مسؤولیت نیست، بلکه تنها با اثبات قوه قاهره یا تقصیر خود زیان‌دیده می‌توان از مسؤولیت رهایی یافت (Davies, 2008; Galand-Carval, 2006: 85-101).

در نظام کامن‌لا، اصل اولیه «عدم انتساب غیرمستقیم مسؤولیت به والدین » حاکم است؛ صرف رابطه پدر و فرزندی موجب مسؤولیت سرپرست در قبال شبه‌جرم‌ها و جرایم صغیر نمی‌شود. مسؤولیت والدین صرفا بر نظریه تقصیر شخصی و شبه‌جرم «اهمال در نظارت » استوار است. مطابق بخش ۳۱۶ از مجموعه دوم بازنگری حقوق مسؤولیت مدنی

---

[1]- Présomption de Faute
[2]- Responsabilité de Plein Droit
[3]- Force Majeure
[4]- No Vicarious Liability
[5]- Negligent Supervision

آمریکا والدینی مسؤول شناخته می‌شوند که با داشتن علم[1] خطرسازی کودک و برخورداری از توانایی مهار او، در اعمال مراقبت معقول کوتاهی کرده باشند (American Law Institute, 1965; Keeton *et al*, 1984).

قانون‌گذار ایرانی در ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی، هم‌راستا با اصول کامن‌لا و قواعد اتلاف و تسبیب فقهی، از گرایش به مسؤولیت عینی فرانسوی فاصله گرفته و مسؤولیت سرپرست را بر پایه «تقصیر موضوعی قابل اثبات» بنا نهاده است. اصل برائت و ضرورت احراز رابطه استنادی میان تفریط در نگاهداری و ضرر وارده، بار اثبات را کاملا برعهده مدعی (زیان‌دیده) می‌نهد؛ امری که با مقتضای سببیت در قاعده فقهی تسبیب مطابقت دارد.

[1]- Restatement (Second) of Torts § 316

جدول ۱: تطبیق اشکال مسؤولیت مدنی ناشی از جرم صغیر در پیوند با چارچوب نظری پژوهش

شکل مسؤولیت	مصداق شخص/ نهاد مسؤول	مبنای فقهی – قانونی و قضایی	نظریه بنیادین توجیه‌گر	شرط تحقق و ماهیت اثباتی (بار اثبات)	وضعیت استناد و اقوائیت سبب/ مباشر	ترتیب و جهت نهایی رجوع خسارت
مسؤولیت مستقیم صغیر (فقدان تقصیر سرپرست)	صغیر (اعم از ممیز و غیرممیز)	قاعده اتلاف؛ ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی	نظریه خطر (ضمان عینی)	صرف تحقق فعل زیان‌بار و رابطه سببیت مادی؛ معافیت زیان‌دیده از اثبات تقصیر روانی یا مادی صغیر	صغیر مباشر مادی است و به دلیل عدم تفریط سرپرست، سببی قوی‌تر از مباشر موجود نیست.	پرداخت اولیه و قطعی از اموال صغیر؛ صغیر حق رجوع به هیچ شخصی را ندارد.
مسؤولیت سرپرست قانونی	پدر، جد پدری، وصی منصوب، قیم قانونی	قاعده تسبیب؛ ماده ۷ (صدر) قانون مسؤولیت مدنی	نظریه تقصیر موضوعی (شخصی)	لزوم اثبات «تفریط در مواظبت، نظارت یا تربیت» توسط زیان‌دیده؛ مبتنی‌بر اصل برائت	تقصیر سرپرست در نظارت موجب «اقوائیت سبب از مباشر» (صغیر محجور) شده و مسؤولیت را منتقل می‌کند.	الزام قطعی سرپرست مقصر به پرداخت؛ سرپرست به‌هیچ‌وجه حق رجوع به مال صغیر را ندارد
مسؤولیت سرپرست قراردادی	مدیران و اولیای مدارس، مربیان مهدکودک، سرپرستان مراکز شبانه‌روزی	ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی («بر حسب قرارداد»)؛ شروط ضمن عقد	تلفیق نظریه تقصیر و تضمین تعهد	اثبات قصور در حیطه زمانی و مکانی قرارداد نظارت؛ اثبات رابطه علیت میان کوتاهی مربی و وقوع خسارت	تقصیر سرپرست قراردادی، سبب حادث است و در محدوده زمانی قرارداد جانشین مباشر غیرممیز می‌شود.	جبران در رتبه نخست توسط سرپرست قراردادی؛ عدم امکان فرافکنی خسارت به طفل؛ رجوع ثانویه به والدین تنها در/صورت اشتراک تقصیر.
مسؤولیت سرپرست عرفی	زانی (پدر طبیعی/ عرفی طفل ناشی از رابطه نامشروع)	رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷ (۱۳۷۶)؛ روح ماده ۷ ق.م.م[1]	نظریه تضمین حق و مسؤولیت نوعی	احراز استیلای عملی و سرپرستی عرفی بر طفل و اثبات اهمال در مراقبت (نفی نسب مانع تکلیف نظارت نیست)	استیلای عرفی ملاک تسبیب است؛ تفریط پدر عرفی سببیت را محقق می‌سازد.	همانند اولیای قانونی؛ استقرار اولیه و نهایی بر ذمه سرپرست عرفی مقصر، بدون حق تعرض به اموال صغیر.
جبران قائم‌مقامی (تضمینی) از مال صغیر	دارایی و اموال صغیر (به‌عنوان وثیقه نوعی)	ماده ۷ (ذیل) قانون مسؤولیت مدنی؛ قواعد عدل و انصاف	نظریه تضمین حق و استرداد عادلانه	احراز تقصیر سرپرست؛ ثبوت اعسار و ناتوانی مالی سرپرست؛ توانایی مالی و عدم عسرت صغیر	صغیر مباشر زیان بوده اما سبب اصلی (سرپرست) معسر است؛ قانون‌گذار جهت جلوگیری از تضرر بزه‌دیده مال صغیر را واسطه قرار می‌دهد.	پرداخت موقت زیان از مال صغیر به سود زیان‌دیده؛ ثبوت حق رجوع استردادی صغیر علیه سرپرست مقصر پس از رفع اعسار یا پس از بلوغ و رشد.
مسؤولیت والدین در	اولیای قانونی اعمال‌کننده	بند ۴ ماده ۱۲۴۲ قانون مدنی فرانسه	مسؤولیت عینی و	– صغر سن طفل – سکونت مشترک	انتساب قانونی و خودکار فعل صغیر به	استقرار نهایی بر دوش والدین؛ اثبات مواظبت

[1]– قانون مسئولیت مدنی (ق.م.م)

شکل مسؤولیت	مصداق شخص/ نهاد مسؤول	مبنای فقهی – قانونی و قضایی	نظریه بنیادین توجیه‌گر	شرط تحقق و ماهیت اثباتی (بار اثبات)	وضعیت استناد و اقوائیت سبب/ مباشر	ترتیب و جهت نهایی رجوع خسارت
حقوق فرانسه (تطبیقی)	اقتدار والدینی	(۱۳۸۴ سابق)؛ آرای Fullenwarth (۱۹۸۴) و Bertrand (۱۹۹۷)	قانونی (گذار از فرض تقصیر سنتی)	با اولیا – علیت فعل طفل؛ زیان‌دیده معاف از اثبات هرگونه تقصیر است.	والدین بر پایه اقتدار والدینی و هم‌خانگی؛ تفکیک‌ناپذیری سبب و ضمان.	و نظارت کافی رافع ضمان نیست و تنها «قوه قاهره» یا «تقصیر منحصربه‌فرد زیان‌دیده» ضمان را منتفی می‌کند.
مسؤولیت والدین در حقوق کامن‌لا (تطبیقی)	والدین و دارندگان حضانت فیزیکی در کامن‌لا	قاعده عمومی کامن‌لا؛ Restatement (Second) of Torts § 316	نظریه تقصیر اختصاصی (اهمال در نظارت	بار اثبات کامل بر دوش زیان‌دیده: اثبات این‌که والد از تمایل خطرآفرین صغیر آگاه بوده یا باید می‌بود، توان مهار داشته و سهل‌انگاری کرده است.	استناد به تقصیر مستقیم خود والد؛ خودداری از انتساب غیرمستقیم)؛ صرف بنوت موجب سببیت نیست.	مسؤولیت صرفا ناشی از خطای شخصی والد است و خسارت مستقیما از دارایی والد بدون ارتباط با مال طفل پرداخت می‌شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی تحلیلی و تطبیقی «مسؤولیت مدنی ولی و سرپرست در قبال خسارات ناشی از جرم صغیر» در پرتو فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران انجام پذیرفت. تلاقی فقدان مسؤولیت کیفری صغیر با ضرورت ترمیم خسارات زیان‌دیده، از پیچیده‌ترین مسائل حقوق مسؤولیت مدنی است که با بررسی مبانی تقنینی و فقهی، نتایج زیر حاصل آمد:

حل تعارض ظاهری مواد ۱۲۱۶ قانون مدنی و ۷ ق.م.م: تحلیل پیشینه تقنینی و قواعد فقهی نشان داد که تقابل میان مسؤولیت مستقیم صغیر (ماده ۱۲۱۶ ق.م مبتنی‌بر قاعده اتلاف) و مسؤولیت سرپرست (ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی مبتنی‌بر قاعده تسبیب)، تعارضی عرضی نیست، بلکه این دو مقرره در یک «نظام طولی و ترتیبی» جای می‌گیرند. در وضعیت عدم تقصیر سرپرست، صغیر به‌عنوان مباشر مادی برمبنای قاعده اتلاف و ضمان عینی پاسخگوی خسارت از محل دارایی خویش است، اما به محض اثبات تقصیر سرپرست در نگهداری، مواظبت یا تربیت، به دلالت قاعده «اقوائیت سبب از مباشر»، مسؤولیت به خطای شخصی سرپرست منتقل شده و او در رتبه نخست جبران خسارت قرار می‌گیرد.

انطباق مبانی موضوع بر چارچوب‌های نظری مسؤولیت: یافته‌های پژوهش گویای آن است که نظام حقوقی ایران در این قلمرو از یک نظریه واحد تبعیت نمی‌کند، بلکه ترکیبی کارکردی از نظریه‌های چهارگانه را به‌کار بسته است:

نظریه تقصیر: مبنای استقرار مسؤولیت بر دوش ولی، قیم و سرپرست قراردادی (ماده ۷ ق.م.م) است که مسؤولیت را مشروط به اثبات تفریط در مواظبت می‌داند.

نظریه خطر یا ضمان عینی: بنیاد مسؤولیت مستقیم صغیر (ماده ۱۲۱۶ ق.م) را بدون نیاز به احراز قصد یا تقصیر روانی توجیه می‌کند.

نظریه تضمین حق و انصاف: توجیه‌کننده رجوع استثنایی زیان‌دیده به دارایی صغیر در فرض اعسار سرپرست مقصر است تا حق زیان‌دیده پایمال نگردد.

توسعه قلمرو سرپرستی فراتر از نسب شرعی: از نتایج حائز اهمیت پژوهش حاضر، اثبات این گزاره است که معیار شمول ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی، «تکلیف قانونی، قراردادی یا عرفی به مواظبت» است نه ثبوت نسب شرعی؛ بر این اساس، با استناد به مدلول رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷ دیوان عالی کشور، پدر عرفی اطفال ناشی از روابط غیررسمی نیز درصورت تفریط در مواظبت، همانند اولیای قانونی و سرپرستان قراردادی (نظیر اولیای مدارس و مربیان مهد کودک‌ها) مسؤولیت جبران خسارت ناشی از افعال زیان‌بار صغیر را برعهده خواهد داشت.

ماهیت قائم‌مقامی جبران خسارت از مال صغیر و حفظ حق رجوع: در فرضی که به سبب ناتوانی مالی سرپرست مقصر، خسارت از دارایی صغیر پرداخت می‌شود (ذیل ماده ۷ ق.م.م)، این اقدام به‌معنای استقرار نهایی مسؤولیت بر دوش کودک نیست، بلکه تدبیری حمایتی در راستای حفظ حقوق بزه‌دیده است. ازاین‌رو، صغیر نسبت به وجوه پرداختی، قائم‌مقام زیان‌دیده محسوب شده و این حق برای وی محفوظ است که پس از رفع اعسار سرپرست یا رسیدن به سن رشد، جهت استرداد زیان به سرپرست مقصر رجوع نماید، سازوکاری که مقتضای عدالت معاوضی و عدم اضرار به محجور است.

رویکرد تطبیقی و مزیت ساختار بومی: در سنجش تطبیقی، حقوق ایران برخلاف حقوق فرانسه که به‌سمت «فرض تقصیر» و مسؤولیت محض والدین گرایش یافته، با تأکید بر لزوم احراز تقصیر مراقبتی، به رویکرد کامن‌لا و اصول فقهی تسبیب نزدیک‌تر است؛ امری که بار اثبات را بر دوش مدعی خسارت می‌گذارد، هرچند برای تأمین منافع قربانی نیازمند بازنگری در شیوه امارات قضایی است.

باتوجه به نتایج در راستای سامان‌بخشی به ابهامات موجود در رویه قضایی و ارتقای قانون‌گذاری، موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

تعدیل بار اثبات به نفع زیان‌دیده: پیشنهاد می‌شود مقنن با رویکردی حمایتی، در مواردی که صغیر دست به ارتکاب رفتارهای شدیدا خطرآفرین یا جرایم سازمان‌یافته می‌زند، «اماره تقصیر سرپرست» را تأسیس نماید تا بار دشوار اثبات کوتاهی در نظارت از دوش بزه‌دیده برداشته شده و اثبات ایفای کامل وظایف انضباطی برعهده سرپرست قرار گیرد.

تأسیس نهاد بیمه مسؤولیت مدنی سرپرستان: جهت جلوگیری از تضرر هم‌زمان محجور و آسیب‌دیده در موارد اعسار سرپرست، پیش‌بینی سازوکارهای بیمه اجباری یا صندوق‌های حمایتی جبران خسارت در قبال جرایم اطفال، گامی بنیادین در تحقق اهداف عدالت ترمیمی و نظریه تضمین حق خواهد بود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماما رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافعی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی و عربی

– اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۵). *حقوق جزای عمومی ۲*. تهران: انتشارات میزان.

– امامی، حسن (۱۳۵۷) *حقوق مدنی*. جلد پنجم، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.

– انصاری، مرتضی (۱۴۱۶). *فرائد الأصول*. جلد دوم و سوم، قم: مجمع الفکر الاسلامی.

– بابایی، ایرج (۱۳۹۹). «مفهوم مسؤولیت مدنی». *دانشنامه‌های حقوقی*، ۳(۶): ۲۹–۱۱.

– بحرانی، یوسف (۱۳۶۳). *الحدائق الناضره فی أحکام العتره الطاهره*. جلد بیستم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

– جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۴). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: انتشارات گنج دانش.

– حر عاملی، محمد (۱۴۰۹). *تفصیل وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه*. جلد اول و هفدهم، قم: مؤسسه آل البیت (ع) لإحیاء التراث.

– حسینی مراغی، سیدمیرعبدالفتاح (۱۴۱۷). *العناوین الفقهیه*. جلد دوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

– حیدر، علی (۱۳۵۱). *درر الحکام شرح مجله الأحکام*. تعریب فهمی حسینی، جلد نهم، بیروت: دار عالم الکتب.

– خوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۲۲). *مصباح الفقاهه فی المعاملات*. جلد سوم، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.

– زحیلی، وهبه (۱۴۰۹). *الفقه الإسلامی فی ثوبه الجدید: المدخل الفقهی العام*. جلد اول و دوم، دمشق: دارالفکر.

– صفائی، سیدحسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۲). *مسؤولیت مدنی (الزام‌های خارج از قرارداد)*. تهران: انتشارات سمت.

– صفائی، سیدحسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۷). *مسؤولیت مدنی تطبیقی*. تهران: انتشارات شهر دانش.

– صفائی، سیدحسین و قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۴۰۰). *حقوق مدنی: اشخاص و محجورین*. چاپ بیست‌وهفتم، تهران: انتشارات سمت.

– طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، جلد پانزدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

– طوسی، محمد (۱۳۷۹). *النهایه فی مجرد الفقه والفتوای*. بیروت: دارالکتاب العربی.

– عمید زنجانی، عباس‌علی (۱۳۸۲). *موجبات ضمان*. تهران: انتشارات میزان.

– عوده، عبدالقادر (۱۹۹۴). *التشریع الجنائی الإسلامی مقارنا بالقانون الوضعی*. جلد اول، بیروت: دارالکاتب العربی.

– کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). *حقوق مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

– کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). *الزام‌های خارج از قرارداد*. جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

– کرمانی، ابراهیم‌جعفر (۱۳۵۷). *نوجوانی، بحثی درباره مسائل روانی و اجتماعی نوجوانان*. تهران: انتشارات چهر.

– معلوف، لویس (۱۹۰۸). *المنجد فی اللغه*. بیروت: المطبعه الکاثولیکیه.

– معین، محمد (۱۳۸۲). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

– منصور، محمود (۱۳۵۶). *لغت‌نامه روان‌شناسی*. تهران: بی‌نا.

– موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۱). *تحریر الوسیله*. جلد اول و دوم، قم: دار العلم/ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

– میرزای قمی، ابوالقاسم (۱۴۱۳). *جامع الشتات فی أجوبه السؤالات*. جلد دوم، تهران: مؤسسه کیهان.

– نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. جلد بیست‌وششم و چهل‌ویکم، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

ب. منابع انگلیسی

- American Law Institute (1965). *Restatement of the Law, Second, Torts 2d*. Vol.2, St. Paul, MN: American Law Institute Publishers.

- Davies, J.A (2008). *Global Issues in Tort Law*. St. Paul, MN: West Academic Publishing.

- Dressler, J (2022). *Understanding Criminal Law*. 9th ed, Durham, NC: Carolina Academic Press.

- Galand-Carval, S (2006). Liability for Damage Caused by others under French Law. Edited by Spier J. In: *Unification of Tort Law: Liability for Damage Caused by Others*. The Hague: Kluwer Law International.

- Keeton, WP; Dobbs, DB; Keeton, RE & Owen, DG (1984). *Prosser and Keeton on the Law of Torts*. 5th ed, St. Paul, MN: West Publishing Company.

ج. قوانین، مقررات و رویه قضایی

– قانون امور حسبی (مصوب ۱۳۱۹/۰۴/۰۲ مجلس شورای ملی با اصلاحات بعدی).

– قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی). مواد ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۵۱، ۲۱۸، ۳۷۵، ۳۷۷ و ۳۷۸.

– قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۰۷ با اصلاحات بعدی). مواد ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۷۱، ۱۱۸۰، ۱۱۸۸، ۱۱۹۴، ۱۲۱۰، ۱۲۱۶ و ۱۲۱۸.

– قانون مسؤولیت مدنی (مصوب ۱۳۳۹/۰۲/۰۷ مجلس شورای ملی). ماده ۷.

– مجله الأحکام العدلیه (قانون مدنی عثمانی)، مواد ۹۴۳، ۹۶۷، ۹۶۸ و ۹۷۰.

– هیأت عمومی دیوان عالی کشور (۱۳۷۶). رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷، مورخ ۱۳۷۶/۰۴/۰۳ *روزنامه رسمی کشور*، شماره ۱۵۲۸۱.

د. آرای قضایی تطبیقی (فرانسه)

- *Arrêt Bertrand*: Cour de Cassation, 2e Chambre Civile, 19 Février 1997, n 94-21.111, *Bull. civ.* II, n 56.

- *Arrêt Fullenwarth*: Cour de Cassation, Assemblée Plénière, 9 mai 1984, n 79-16.612, *Bull. civ.*, n 6.